



تاریخ	۲۷
تیر	
۱۳۹۷	
چهارشنبه	

## ضرب‌المثل‌های جهان

شکست‌ها، ستون‌های موفقیتند...

## مفسر تهران

یادی از آیت‌الله مرحوم حاج میرزا محمد ثقفی تهرانی (پدرخانم امام راحل)

نویسنده: دکتر شکرالله جهان‌مهین، استاد و مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم و مدیر بنیاد آیت‌الله حق‌شناس (ره) جهرم



صفحه	۵
شماره	
۲۲۸۵	
سال	
یست و چهارم	

ولز

قسمت سوم و پایانی



در بین شخصیت‌هایی که ما حساب کنیم. ممکن است ۱۰ درجه هم به‌واسطه این باشد که ما همچنین اجازه‌ای برای آقای امیرزا ابوالفضل نرفته‌ام. حالا اگر من بخواهم اجازه خود را پس بگیرم. همان درجه از شخصیت ایشان گرفته شود کم بشود من حقدارم و اما اگر این باعث بشود من شخصیت دیگرشان هم پامال بشود یعنی اسباب اهانت ایشان باشد من چه حقی دارم؟ خیلی بسیار کلمه عجیبی است بین یک نفر، مرد روحانی بزرگ، چه اندازه باید مواظب حقوق اشخاص باشد. نه تنها اشخاص عالم و روحانی بلکه مواظب حقوق تمام افراد باشد. تمام مردم به گردن انسان حق دارند. نکند یک‌وقتی از حق یک نفر شخص ضعیفی تضییع بشود و حق یک نفر از بین برود... در پایان باکمال ادب و احترام، خالصانه و خاشعانه و عاجزانه از درگاه باری تعالی برای مفسر بزرگوار حضرت آیت‌الله مرحوم حاج میرزا محمد ثقفی تهرانی و والد معظمشان آیت‌الله مرحوم حاج میرزا ابوالفضل تهرانی و جد بزرگوارش آیت‌الله حاج میرزا ابوالقاسم نوری تهرانی و فرزندان درگذشته‌اش ازجمله آیت‌الله مرحوم حاج میرزا حسن ثقفی تهرانی و سرکار حاجیه‌خانم خدیجه ثقفی (همسر امام راحل) علو درجات و حشر با ائمه اطهار (علیهم‌السلام) خواستارم.

وَسَلَامٌ عَلَیْهِ یَوْمَ وُلِدَ وَ یَوْمَ یُؤْتُ وَ یَوْمَ یُعْتَبَرُ حَقًّا.

شده است. بعضی ۴۵ بیت نقل کرده‌اند و بعضی‌ها بیشتر تا ۱۲۰ بیت هم نقل کرده‌اند ولی از ایشان ۳۰۰ بیت شعر است؛ و در وسطش پی‌گوید: وَ لَوْ لَمْ یَكُنْ شَيْخُ الْإِسْلَامِ مُحَمَّدًا قَصِيدَتُهُ فِي أَطْلُبِ الْفَرَاتِي حَضْرَتِ مَوْلَانَا الْإِمَامِ الْأَدَبِيِّ الْبَیِّنِّ وَ يَجَلِي ظِلْمَتَهُ الشَّيْبَانِي وَ قَضَتُهُ: اگر که دعیل خزاعی، قصیده‌ی خودش را در مقابل حضرت رضا (علیه السلام) ذکر نکرده بود و حضرت هم او را با طلب او نداده بود و مدحش نکرده بود. فَشَرَفَهُ فِي مَدْحِهِ وَ قَرَبَهُ وَ قَضَلَهُ فَيُنَبِّهَا بِهٖ عُنْوَرِ صِرَاطِي لِقَضَلْتَهَا: اگر که این‌طور نبود من شعر خودم را بالاتر از شعر دعیل خزاعی می‌دانستم. مردی بوده است حاج میرزا ابوالفضل تهرانی بسیار، بسیار فوق‌العاده و خیلی بسیار عجیب بوده است. به همین مناسبت فوق‌العادگی ایشان و به مناسبت این که ایشان از طرف مرحوم آقای امیرزا محمدحسن شیرازی، آمده است یک داستانی نقل می‌کنم و این داستان خیلی بسیار عجیب است. یک نفر کسی که خیلی بسیار مواظب و رعایت حقوق دارد می‌کند، خیلی برداشت بزرگی از این قصه می‌کند. آن داستان عبارت است از این‌که: در تهران در همان موقعی که در سال ۱۳۱۰ هجری قمری، ایشان تشریف آورده بودند در تهران، خیلی هم با تجلیل و احترام که بعضی مطالب هم همین آیت‌الله ثقفی تهرانی خودشان برای بنده نقل کردند. وارد شده بودند در تهران، مرحوم آیت‌الله آقای آقا میرزا محمدحسن آشتیانی، عالم درجه اول تهران بوده؛ و ایشان هم‌دوره با میرزای بزرگ شیرازی، آقای آقا میرزا محمدحسن بوده است؛ و هر دو از شاگردان برجسته مرحوم شیخ انصاری بوده‌اند. مرحوم شیخ انصاری به‌طوری‌که نقل می‌کنند، فرموده بوده است که من درس را برای سه نفر می‌گویم امیرزا محمدحسن شیرازی، امیرزا محمدحسن آشتیانی، مرحوم میرزا حبیب‌الله رشتی. خلاصه مرحوم امیرزا محمدحسن، مرجعیت کامل در سامرا، مرحوم امیرزای محمدحسن آشتیانی مرجعیت در تهران و آن فتوی‌ای تحریرم تنبأ که هم که از مرحوم آیت‌الله امیرزا محمدحسن شیرازی صادر شده بود، به دست همین مرحوم امیرزا محمدحسن آشتیانی به مردم پخش شد. آقای آقا میرزا ابوالفضل تهرانی وقتی که رفتند در تهران، همان سال ۱۳۱۰ هجری قمری آمدند تهران؛ مقامشان خیلی بالا

خطابش کرد ولیکن چیزی که هست ازجمله اخلاقیات ایشان این بود که خیلی تظاهر نداشتند و لذا بوده است که خیلی شاید ایشان را اصلاً نمی‌شناختند و شاید بعضی‌ها در آن موقعی که مرحوم حجت‌الاسلام آقای حاج‌آقا مصطفی خمینی فوت کردند شاید بعضی‌ها آن موقع، ایشان را شناختند برای این‌که در آن موقعی که بسیار وضع سختی بود، کسی که در تهران برای آن مرحوم فاتحه گرفت ایشان بودند که جد مادری آن مرحوم بودند برای ایشان فاتحه گرفتند و ایشان علاوه بر این که این مکارم اخلاقی و فضائل علمی هم داشتند، علاوه بر این، بیت علم حساب می‌شدند. پدر ایشان مرحوم حاج میرزا ابوالفضل تهرانی که از عجب‌بهره‌های روزگار بوده است و خیلی بسیار مرد عجبی بوده است در استعداد و علمیت، منتهی اینکه عیبش این بوده است که در سن جوانی فوت کرده است. مثلاً: در حدود سن ۴۸ سال که همین آیت‌الله ثقفی شاید ۲ سال و نیم‌عمرشان بوده است که پدرشان را از دست داده‌اند. در سن جوانی از دار دنیا رفته‌اند لذا خیلی آن‌طور اسم زیادی از ایشان باقی نمانده ولی معاذکال شرح‌حال ایشان در بعضی از مقدمه بعضی از کتاب‌ها ذکر شده است. مرحوم حاج میرزا ابوالفضل تهرانی که در سال ۱۳۱۰ هجری قمری از سامرا به دستور مرحوم آیت‌الله، آیت‌الله بزرگ، آقای آقا میرزا محمدحسن شیرازی می‌آیند به تهران؛ و یک اجازه خیلی مفصل هم یعنی اجازه خیلی مهمی هم مرحوم میرزای شیرازی برای ایشان می‌نویسند که در آن اجازه می‌نویسند که حکم حکمی. این اندازه از ایشان تجلیل می‌کند که حکم حکمی؛ یعنی هراندازه ایشان حکم کند حکم من هست و او که مرد بسیار عجیب و فوق‌العاده‌ای بود هم در ادبیات، هم طبع شعر و هم در علمیات دیگر، در مردم‌داری، در اخلاقیات و ... مرد بسیار عجبی بوده است که برخی از اشعار ایشان بنده که معلوم می‌شود ایشان در تحقیقات علمی دعیل خزاعی که در مدح حضرت رضا (علیه السلام) تائیه معروف است. در مدح حضرت رضا (علیه السلام) سروده است و آن داستان تاریخی هم دارد و ایشان هم در مقابل دعیل خزاعی عیناً مثل ایشان شعری در مدح حضرت رضا (علیه السلام) گفته است. شعر دعیل خزاعی مختلف نقل

مراسم ترحیم آیت‌الله ثقفی تهرانی در جهرم

در جهرم نیز مراسم ارتحال ایشان در مسجد امام خمینی (ره) با حضور امام‌جمعه فقید جهرم استاد بزرگوارم حضرت آیت‌الله مرحوم حاج سید حسین آیت‌اللهی و علماء شهر و مردم عالم دوست دارالمؤمنین جهرم برگزار شد؛ و استاد گران‌قدر حضرت آیت‌الله مرحوم حاج سید عبدالرسول شریعتمداری جهرمی (ره) که کمتر سخنرانی قبول می‌کرد، سخنران جلسه بود، چراکه خود چندین بار خدمت آیت‌الله ثقفی تهرانی رسیده بود ازجمله در بازدید دیدار اخویان حجت‌الاسلام‌والمسلمین مرحوم سید حسن شریعتمداری جهرمی (استاد مدرسه علمیه خان مروی تهرانی)؛ و چون از مقام علمی و شخصیت کم‌نظیر آیت‌الله ثقفی مطلع بود پیرامون شخصیت ایشان سخنرانی ارزشمندی ایراد نمودند.

فرازی از بیانات آیت‌الله شریعتمداری جهرمی (ره) در مراسم ترحیم آیت‌الله ثقفی تهرانی در جهرم

... این مجلس به مناسبت فوت یک مرد روحانی، مرحوم آیت‌الله ثقفی که بنده مکرر در تهران خدمتشان رسیده بودم و در جلسه خصوصی در منزل خودشان هم خدمتشان می‌رسیدم؛ دومرتبه ما ظاهراً خدمتشان رسیدیم که یک‌مرتبه‌اش این بود که موقعی که مرحوم اخوی ما [حجت‌الاسلام‌والمسلمین مرحوم سید حسن شریعتمداری جهرمی] فوت کرده بودند ایشان به مناسبت فوت مرحوم اخوی ما [در تهران] مجلس فاتحه تشریف برده بودند و ما هم به‌عنوان بازدید (ختم) رقیتم منزل ایشان. مردی بود وارسته، این کلمه وارسته، کلمه جامعی هست. مردی بود وارسته، اخلاقاً خیلی بسیار خوب، تظاهرش در اخلاق زیاد نبود ولی مغز اخلاقیش خیلی بسیار خوب بود. ملا بود، دانشمند بود، محقق بود، یکی از تألیفات خودشان که حاشیه بر در [درز الاصول یا درز الفوائد] مرحوم آیت‌الله‌العظمی [حاج شیخ عبدالکریم] حائری است به ما هدیه فرمودند که معلوم می‌شود ایشان در تحقیقات علمی اطلاع کاملی داشته است ...

و دیگر به مناسبت فوت عیالشان، آن عیال دیگری که غیر از مادر عیال رهبر کبیر انقلاب است باز به‌عنوان تسلیت، ما رقیتم خدمتشان، خلاصه مردی بود سراسر با معنویت، باصفا، باایمان و خلاصه مرد روحانی باید

## جهان دل نهاده بدین داستان

### نیاز ایرانیان به سرایش شاهنامه



بنیاد شاهنامه فردوسی، مؤسسه تحقیقاتی وابسته به وزارت فرهنگ و هنر، در سال ۱۳۵۰ باهدف پیشبرد پژوهش‌های درباره شاهنامه فردوسی و تصحیح و انتشار متن انتقادی شاهنامه بنیان‌گذاری شد. سرپرستی علمی بنیاد از ابتدای بنیان با مجتبی منوی و از سال ۱۳۵۵ با محمدامین ریاحی بود. کوشش‌های این بنیاد شامل گردآوری نسخه‌های شاهنامه و بن‌مایگان پژوهشی درباره شاهنامه از سراسر جهان و ارزیابی آنها به‌منظور تصحیح متن شاهنامه و برابر نهادن نسخه‌ها و تهیه متن تصحیح شده از بخش‌های مختلف شاهنامه توسط پژوهشگران بنیاد بود. از برجسته‌ترین پژوهشگران بنیاد شاهنامه، جلال خالقی مطلق و احمد تقضلی بودند. بنیاد شاهنامه پس از انقلاب ۱۳۵۷ در ادامه کار بازماند.

دومین پژوهشکده شاهنامه در خرداد ۱۳۹۳ (ژوئن ۲۰۱۴) در کالج پمبروک دانشگاه کمبریج گشایش یافت. مرکز شاهنامه دانشگاه کمبریج دارای آرشيو بزرگی از نگاره‌های نسخه‌های خطی شاهنامه مربوط به سده‌های گوناگون است. مدیریت این مرکز در حال حاضر با فیروزه عبدالواو، استاد و پژوهشگر تاریخ و هنر ایران در این دانشگاه است. دانشگاه کمبریج توانست با کمک مالی بیتا دریاباری (سرماهدار و خنجر ایرانی-آمریکایی)

(مسکوب، شاهرخ مقدمه کتاب) وزیر فرهنگ و ارشاد ایلامی دولت اصلاحات، با یادداشتی در وبلاگ خود نوشت: نگاه به فردوسی و خواندن شاهنامه از زاویه دید شاهرخ مسکوب طراوت و لطف و زیبایی و غم دیگری دارد! او دیدبانی بود که افق‌های شاهنامه را از هر سو، برون و درون کاویده و به‌دروستی دیده بود. روزی سپین دانشور می‌گفت: شاهنامه مثل کوهی‌ست که رونده را پس می‌زند و رونده به سستی گام‌های خود پی می‌برد. نمی‌خواهم بگویم مسکوب از قله شاهنامه آفاق‌ها را نگریسته است، اما می‌گویم در تاریخ پژوهش شاهنامه او بی‌همتاست. بدیهی‌ست که مرادم جست‌وجو در جانمایه شاهنامه و روان فردوسی‌ست و گرنگ کار کارستان دکتر خالقی مطلق و همکاران، تاکنون همان اوج شناخت شاهنامه به‌عنوان متن مورد اعتمادست. مسکوب با هوشمندی بین دانستن شاهنامه و فهمیدن آن تمایز قائل شده است. وقت آن است که شاهنامه نه‌فقط دانسته بلکه اندیشیده شود تا همچنان زنده بماند.

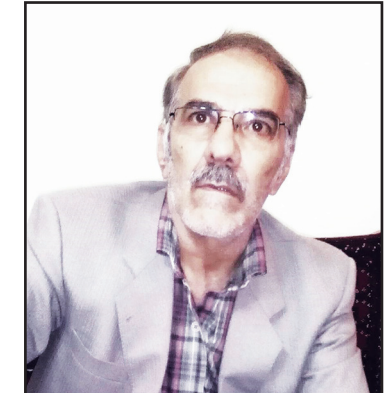
دانشتن سطحی از آگاهی‌ست و فهمیدن ژرفایی دیگر دارد. شاهرخ مسکوب، در عمر هشتادساله‌اش، توجه و رویکرد و تأکیدش بر شاهنامه بود. کتاب ارمغان مور که به یک معنا آخرین کتاب او بود، دقیق‌ترین و دل‌پذیرترین کتاب شاهنامه پژوهی او نیز هست. کتاب توسط نشر نی به شکل ممتاز و بدون غلط منتشر شده است. (۱)

کتاب از پنج جستار تشکیل شده است، زمان، آفرینش، تاریخ، جهان‌داری و سخن.

بدیهی‌ست که در تبیین و تفسیر هرکدام در هر جستارگاه شاهد آمیختگی و بیان نسبت این عناوین با یکدیگر هستیم. همان‌گونه که در شاهنامه فردوسی که راوی ست به‌عنوان حکیم هم حضور دارد و از زبان خرد جاودان و یا پیر معان سخن می‌گوید. مثل:

فریدون فرخ فرشته نبود  
ز مُشک و زعنبر سرشته نبود  
به داد و دهش یافت این سروری  
تو داد و دهش کن فریدون تویی!

## محمد رجبی



مرکز شاهنامه‌پژوهی را در بخش ایران‌شناسی این دانشگاه تأسیس کند. این مرکز در آغاز با کمک مالی ۲ میلیون دلاری به پروژه شاهنامه دانشگاه کمبریج که در سال ۱۹۹۹ به کوشش چارلز ملویل پدید آمده‌بود، آغاز به کار کرد. کالج پمبروک که پیشینه‌ای شش‌صدساله دارد یکی از ۳۱ کالج دانشگاه کمبریج است که کارنامه برجسته‌ای در ایران‌شناسی دارد.

اولین آنتولوژی شاهنامه فردوسی، بخش داخلی، تاریخ انتشار: پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۳ ساعت ۱۱:۲۳

در سالگرد روز جهانی فردوسی، اولین آنتولوژی شاهنامه که به همت آقایان «بابک ونداد و حمید معیری طراحی و اجرا شده است، برای استفاده عموم مردم و علاقه‌مندان، به‌طور رایگان بر روی پایگاه اینترنتی [www.nimrouz.ir/shahnameh](http://www.nimrouz.ir/shahnameh) قرار گرفته است.

آنتولوژی یکی از پیشرفته‌ترین متدهای کشف روابط معنایی بین عناصر در یک روایت یا ماجراست که به‌کارگیری این شیوه بر روی شخصیت‌های گرانسنگ‌ترین روایت‌های حماسی ایران، شاهنامه فردوسی، تبدیل به اثری خلاقانه و بدیع شده است.

بابک ونداد در گفت‌وگو با الف در تشریح فعالیت انجام‌گرفته در این پروژه اعلام کرد: آنتولوژی یعنی روابط معنایی بین عناصری را مشخص کنیم که در فارسی به هستان‌شناسی ترجمه شده است. هر آنتولوژی تشکیل شده از یک دایره واژگان در اینجا افراد شاهنامه فردوسی، ویژگی‌های معنایی لغات مانند زن و مرد بودن یا دیو و انسان و حیوان بودن و... و یک مجموعه از روابط معنایی بین این‌ها مانند روابط خانوادگی، جنگ، قتل و... است.

در معنی عام کلمه، آنتولوژی: به شاخه‌ای از علم فلسفه اتلاق می‌گردد که به دنبال پاسخ به سؤالاتی از قبیل هستی چیست؟ (onto - هستی) (logy - مطالعه)

آنتولوژی (آنتا لوژی) شاهنامه فردوسی، در تلاش است تا پیوندهای معنایی بین شخصیت‌های شاهنامه را مشخص کند و درک بصری از جهان شاهنامه به دست دهد!

